

بررسی تطبیقی الهه‌مادر در اساطیر باستانی ایرانی و ترک

زهره طاهر*^۱، هاشم حسینی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه نیشابور

۲. دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه نیشابور

دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۱

پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۱۸

چکیده

پرستش الهه‌مادر از عمیق‌ترین باورها در اندیشه ملل و اقوام مختلف در طول تاریخ بشری بوده است. تمدن‌های کهنی چون ایرانیان و ترکان نیز از دیرباز آیین مادرخدایی داشته و هنوز هم در فرهنگ این اقوام باورها و رسوم مرتبط با این اسطوره باقی است. بر این اساس و با توجه به پیشینه کهن این اسطوره در میان اقوام ایرانی و ترکی و قرابت پیشینه فرهنگی و تاریخی ایرانیان و ترکان، بررسی تطبیقی اساطیر آن‌ها اطلاعات بسیاری از تاریخ و فرهنگ هر دو ملت به دست می‌دهد. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی تطبیقی الهه‌مادر در اساطیر ایرانی و اساطیر ترکی و پرسش اصلی نیز رابطه بین الهه‌مادر در اساطیر ایرانی و ترکی است. روش این پژوهش تطبیقی - تحلیلی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد به رغم تفاوت‌هایی که در برخی وجوه منتسب به الهه‌های مادر ایرانی و ترکی در اساطیر این دو ملت ذکر شده، شباهت‌های مهم بسیاری بین مفهوم و کارکرد این اسطوره در میان ایرانیان و ترکان وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: الهه‌مادر، اساطیر ایرانی، اساطیر ترک، سپندارمذ، آناهیتا، اومای‌آنا، اوت‌آنا.



۱. مقدمه

پرستش الهه‌مادر یکی از ابتدایی‌ترین اشکال پرستش نزد بشر بوده که تقریباً در تمامی تمدن‌های کهن بشری و خاستگاه آن‌ها می‌توان نشانه‌هایی از آن را یافت. حتی در قرآن کریم نیز به پرستش بت‌های مادینه نزد اعراب اشاره شده است (سوره نساء، آیات ۱۹-۲۱؛ سوره نجم، آیه ۱۱۷). پیکره‌های کوچک به‌دست‌آمده از بسیاری از مکان‌های باستانی گسترده‌گی این آیین را نشان می‌دهد. البته در هر منطقه و تمدن، با توجه به محیط و بافت و اعتقادات فرهنگی، ایزدبانوان الهه‌مادر نمادها و نشانه‌های مختلفی را به خود گرفته‌اند (نوغانی، ۱۳۹۱: ۳۴). پرستش الهه‌مادر یکی از ریشه‌دارترین اعتقادات مذهبی در طول تاریخ بشری است و قدیمی‌تر از ظهور خدایان متعدد و قبل از تجسم خدایی در مظاهر مذکر و پدرخدایی بوده است که همین دیرینگی اهمیت پژوهش درباره الهه‌مادر در اقوام و ملل مختلف را نشان می‌دهد. قبل از ورود آریایی‌ها به ایران، پرستش الهه‌مادر در ایران رواج داشته و با اشاعه مذهب زرتشت، پرستش الهه‌مادر همچنان در مقامی دیگر چون الهه‌ها و ایزدبانوان ادامه یافته است (فانیان، ۱۳۵۱: ۱۲). در آناتولی و نقاشی‌های دیواری چتل‌هویوک که یکی از تمدن‌های پیشرفته نوسنگی ترکان است، نیز شواهد پرستش الهه‌مادر یافت شده است (موسوی‌حاجی و حیران‌پور، ۱۳۹۰: ۲۵). ترک‌ها^۱ گروه‌های قومی اوراسیایی‌اند که در کشورهای همچون مغولستان، چین، روسیه، قرقیزستان، قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، افغانستان، ایران، جمهوری آذربایجان، عراق، ترکیه، قبرس و یونان حضور دارند. خاستگاه اصلی آن‌ها آسیای میانه است (محسنی، ۱۳۸۹: ۸۹) و اشتراکات تاریخی و فرهنگی فراوانی میان‌شان مشاهده می‌شود. در پژوهش حاضر نیز، اشاره به اقوام ترک با مفهوم کلیت قوم ترک، براساس

همین اشتراکات فرهنگی و دینی است که سبب شده اساطیر و اعتقادات مشترکی در بین این اقوام رواج داشته باشد. به علاوه می‌دانیم ترکان با ورود غزنویان به ایران و نیز گسترش حکومت سلجوقیان تا آناتولی و مدیترانه، نقشی برجسته در تاریخ ایران داشته‌اند. در واقع با وجود قرابت پیشینه فرهنگی و تاریخی ایرانیان و ترکان، بررسی تطبیقی اساطیر آن‌ها اطلاعات بسیاری از تاریخ و فرهنگ هر دو ملت به دست می‌دهد. بنابراین هدف پژوهش حاضر تعیین ویژگی‌های الهه‌مادر در اساطیر ایرانی و ترکی و پرسش اصلی این است که چه رابطه‌ای بین الهه‌مادر در اساطیر ایرانی و ترکی وجود دارد. فرضیه پژوهش بر این است که به رغم شباهت‌های موجود در بازتاب اسطوره الهه‌مادر در یافته‌های باستانی اقوام ایرانی و ترک، احتمالاً تفاوت‌هایی در لایه‌های معنایی و دیگر ابعاد اسطوره‌های دو ملت وجود دارد. به نظر می‌رسد تا کنون پژوهشی که به بررسی تطبیقی الهه‌مادر در اساطیر ایرانی و ترکی پرداخته باشد، انجام نشده و امید است که یافته‌های این پژوهش به بازشناسایی زمینه‌های مشترک فرهنگی و تاریخی دو ملت کمک کند.

۱-۱. پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش حاضر را در دو دسته بررسی کرده‌ایم. دسته اول پژوهش‌های مربوط به الهه‌مادر در اساطیر ایرانی است: آموزگار (۱۳۹۱) در کتاب *تاریخ اساطیری ایران*، به بررسی الهه‌مادر در تمدن‌های مختلف و ایران پرداخته و ایزدبانوان را در اقوام و ملل مختلف معرفی کرده است. طاهری (۱۳۹۳) در کتاب *ایزدبانوان در فرهنگ و اساطیر ایران و جهان*، جایگاه و ویژگی‌های ایزدبانوان را در یک دوره زمانی و جغرافیایی خاص آن دوران واکاوی کرده است.



وی بر آن است که جایگاه ایزدبانوان در اساطیر را با بررسی اسناد معتبر و به کمک باستان‌شناسی تحلیل کند. آقارضا کاشی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود با عنوان *تحلیل مردم‌شناختی کارکرد ایزدبانوان در ایران باستان؛ مورد مطالعه آناهیتا، سپندارمذ، چیستا، دایانا* نقش باورها و اعتقادات دینی اسطوره‌ای ایزدبانوان را بررسی کرده است. فانیان (۱۳۵۱) در مقاله «پرستش الهه‌مادر در ایران»، به بررسی تاریخی پرستش این الهه در میان اقوام و ملل مختلف، از جمله ایران و ترکیه، می‌پردازد و یافته‌های باستان‌شناسی در این زمینه را معرفی می‌کند. میرخوشخو و عالم (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی اسطوره‌شناختی جایگاه ایزدبانوان در جهان فکری معنوی ایرانیان باستان» معتقدند پرستش ایزدبانوان از نظر تاریخی و قوم‌شناسی هم‌زمان با عصر مدارسالاری و یا مرکزیت گروه بر مدار مادرزن بوده است. ستاری و خسروی (۱۳۹۲) نیز در مقاله «بررسی خویشکامی‌های آناهیتا و سپندارمذ در اسطوره و پیوند آن با پیشینه مدارسالاری»، به معرفی این دو الهه پرداخته و پیشینه آن با مدارسالاری را تشریح کرده‌اند. دستة دوم پژوهش‌های مربوط به الهه‌مادر در اساطیر ترک است: بارتولد (۱۳۷۶) در کتاب *تاریخ ترک‌های آسیای مرکزی*، تاریخ ترکان و ادیان آن‌ها را کاوش کرده است. محمدزاده‌صدیقی (۱۳۸۶) در کتاب *یادمان‌های ترکی باستان*، به بررسی دین ترکان و سه سنگیاد ترکی پرداخته و نوشته‌های آن‌ها را بررسی کرده است. بهلولی (۱۳۹۲) در مقاله «ادیان ترکان باستان» درباره آیین ترکان و الهه‌مادر اومای‌آنا و اوت‌آنا مطالب درخور توجهی را بیان کرده است. چوروهلو (۲۰۱۴) در کتاب *رئوس مطالب اساطیر ترکی*، به معرفی الهه‌مادر اومای پرداخته و متون تاریخی حاوی نام اومای را معرفی کرده است. بیات (۲۰۰۷) کتاب *نظام اساطیری ترکیه* را به الهه‌مادر اومای اختصاص داده است. طالعی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود با

عنوان مقایسه جایگاه زن در شاهنامه و دده قورقود، اشاره می‌کند که زن در هر دو قومیت ایرانی و ترک از جایگاه والا، مهم و ارزشمندی برخوردار است و میزان تأثیرگذاری این عنصر در هر دو جامعه که روزگار مردسالاری را سپری می‌کنند، تأمل‌برانگیز است. افشار (2012) نیز در مقاله «جست‌وجوی ردپای الهه اومای در زیورآلات ترکیه» به بررسی ویژگی‌های نمادین الهه‌مادر اومای‌آنا که در جواهرات زنان ترک منعکس یافته، پرداخته است و آنچه در اساطیر و یافته‌های باستانی ترک درباره خصوصیات ظاهری اومای‌آنا و معنای نمادین آن‌ها ذکر شده، بررسی کرده است. در مجموع به نظر می‌رسد تا کنون پژوهشی که به بررسی تطبیقی الهه‌مادر در اساطیر ایرانی و ترکی پرداخته باشد، انجام نشده است؛ از این رو پژوهش حاضر برای اولین بار به بررسی تطبیقی الهه‌مادر در هنر اساطیری دو ملت ایرانی و ترک می‌پردازد.

پژوهش حاضر از حیث هدف بنیادی، روش آن تطبیقی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای - اسنادی است. روش اجرای پژوهش هم کیفی است. در فرایند پژوهش (شکل ۱) برمبنای ساختار پژوهشی فیلیپس^۲ (2006)، ابتدا به مفهوم‌سازی و بررسی پیشینه پرستش الهه‌مادر در اساطیر ایرانی و ترکی پرداخته و در مرحله بعد برای زمینه‌سازی، این اسطوره را در اساطیر ایرانی و ترکی معرفی کرده و سپس به تطبیق یافته‌ها و جداسازی تفاوت‌ها پرداخته و آن‌ها را توضیح داده‌ایم. ضمن بسط فرضیات، ویژگی‌های مشترک و متفاوت این الهه را در اساطیر ایرانی و ترکی بررسی کرده و به بازمفهوم‌سازی و کاربردی یافته‌ها پرداخته‌ایم.



شکل ۱. فرایند پژوهش تطبیقی حاضر براساس نظر فیلیپس
(منبع: Phillips, 2006: 316)

۲-۱. مبانی نظری

بنابر فرایند پژوهش تطبیقی فیلیپس، در این بخش ابتدا به مفهوم‌سازی، معرفی اسطوره الهه‌مادر و بررسی پیشینه پرستش الهه‌مادر در اقوام ایرانی و ترکی پرداخته و سپس با معرفی این اسطوره در اساطیر ایرانی و ترکی، به زمینه‌سازی و تبیین موضوع همت گماشته‌ایم.

۱-۲-۱. اسطوره الهه‌مادر

اسطوره یا اوسانه را در زبان فارسی برابر واژه Myth در زبان‌های اروپایی پذیرفته‌اند و در بیان مفهوم آن گفته‌اند که مقصود از اساطیر هر قوم، پدیده‌ها و حقایق تلخ و شیرین زندگی آن قوم

است که با گذشت زمان در هاله‌ای از افسانه‌ها و داستان‌ها و خیال‌پردازی‌ها پنهان شده و با همین هاله‌های رنگین به دست ما رسیده است (لاهیجی و مهرانگیز، ۱۳۷۷: ۱۹۳). در ادوار اساطیری، انسان همواره مایل بوده به آغاز، یعنی به روز ازل که خدایان جهان را آفریدند، بازگردد و با این بازگشت می‌خواسته است خود را در آغاز جهان قرار دهد و به این ترتیب، زمان خود و خدایان را یکی کند (بهار، ۱۳۷۶: ۱۹۶). پیداست که در ذهن ملل باستان، قدرت آفرینندگی از جایگاه مهمی برخوردار بوده و پرستش الهه‌مادر، به عنوان مظهر آفرینندگی، از دیرباز نزد بسیاری از ملل رواج داشته است. در دوران نوسنگی و پس از آن، با ظهور زراعت و اشتغال به دامداری، الهه‌مادر به‌عنوان مجسم‌کننده مظاهر باروری، زندگی و مرگ و حتی پس از مرگ در مقام حامی و برآورنده نیازهای انسان پرستش می‌گردید. در حاشیه دریای خزر و سواحل مدیترانه، فرانسه، اتریش، چک‌اسلواکی و ایتالیا نقوش یا تندیس‌های الهه‌مادر با خصوصیتی مشابه یافت شده است (فانیان، ۱۳۵۱: ۱-۱۲). واقعیت اعتقاد به الهه‌مادر را در وجود پیکرک‌های بسیار فراوان الهه‌ای می‌توان جست که نماد باروری و برکت به‌شمار می‌آمد. او حامی و پرورنده فرزندی آسمانی و خود نماد الهی فرزندزایی زنان و مادری بود (بهار، ۱۳۸۱: ۳۹۳).

۲-۲-۱. پرستش الهه‌مادر در میان اقوام ایرانی

در ایران، قبل از ورود اقوام آریایی و تقسیم آن‌ها به گروه‌های مختلف، اقوام بومی ایرانی مذهب مادرخدایی داشتند و در مناطق مختلف ایران پرستش الهه‌مادر رواج داشته است. بومیان نجد ایران که در هزاره هشتم قبل از میلاد از زندگی غارنشینی به زندگی کشاورزی روی



آورده بودند، در هزارهٔ بعد، زندگی مدنی ساده‌ای را بنیان نهادند. در این زمان، زنان به سبب سیطره بر شئون گوناگون زندگی، جنبهٔ ایزدگونگی و تقدس یافتند و همانند الهه‌مادر تا قرن‌ها بعد پرستش شدند (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۹: ۱۲۹). این مذهب تا ورود اقوام آریایی به ایران و تشکیل سلسله‌های ایرانی وجود داشته است و با اشاعهٔ مذهب زرتشت، پرستش الهه‌مادر در مقامی دیگر ادامه می‌یابد. این موضوع با مجسمه‌های الهه‌مادر متعلق به دوران ساسانی تأیید می‌شود (فانیان، ۱۳۵۱: ۳۸-۱۲). در واقع ایزدبانوی بزرگ به ایزدبانوان کوچک‌تر تقسیم شد و هر ایزدبانوی تازه‌تولد یافته، بخشی از ویژگی‌های ایزدبانوی بزرگ را به خود اختصاص داد (Harrison, 1963: 49).

۳-۲-۱. الهه‌مادر در اساطیر ایرانی

با ظهور زرتشت اصلاحاتی در دین آریایی ایرانیان پدید آمد و ایزدبانوان، همچون الهه‌مادر، اهمیت پیشین خود را در آیین جدید دست دادند؛ اما به سبب دیرینگی و اهمیتی که نزد ایرانیان داشتند، پس از زرتشت، در آیین مزدیسنا بازسازی و پدیدار شدند (بهار، ۱۳۷۶: ۴۲۵). در آیین مزدیسنا، اهورامزدا (سرور دانا) پس از آفرینش آسمان، اندیشهٔ نیک، روشنایی مادی و دین مزدیسنا، امشاسپندان (نامیرایان مقدس) را آفرید که از سر دادگری و برابری، از شش امشاسپند، سه امشاسپند مادینه‌اند: سپندارمذ، اُمرداد و خرداد (هینلز، ۱۳۸۸: ۷۸). امشاسپندان باشندگان ایزدی‌اند و خدا پنداشته نمی‌شوند. آنان بدون آنکه مخلوق پنداشته شوند، مینوهایی آفریده شده‌اند که بر امور مهم طبیعی نظارت و فرمانروایی دارند (وارنر، ۱۳۸۶: ۲۵۴). برخی ایزدبانوان ایران باستان عبارت‌اند از: ۱. «سپندارمذ»: ایزدبانوی زمین و از امشاسپندان مقدس

است. ۲. «خرداد» ایزدبانو و از امشاسپندان، و نماد تمامیت مال و مظهری برای نجات بشری و حامی آب است. ۳. «اُرداد»: ایزدبانو و از امشاسپندان، نماد زندگی و جاودانگی و با رویش مرتبط است. ۴. «آناهیتا» (ناهید و آناهید): ایزدبانوی آب‌هاست. ۵. «اشی»: ایزدبانوی نماد توانگری و بخشش و دهش است. ۶. «چیستا»: ایزدبانوی نماد دانش و فرزاندگی است. ۷. «دین»: مظهر وجدان است. او آسودگی زنان را می‌پاید. ۸. «آدا»: ایزدبانوی دیگری است که نام او در اوستا همراه با اشی و چیستا آمده، ولی نقش او روشن نیست. در میان مردمان بومی ایران پیشاتاریخی و ایران باستان این باور وجود داشته که جهان آفریننده خدای زن است و جهان در آغاز حامله بوده است، نه زاییده (عنبری، ۱۳۹۱: ۶۷).

در این میان، تنها آناهیتا است که همچنان به‌عنوان الهه‌مادر پرستش شده و در تندیس‌ها و نقش برجسته‌های این دوره و دوره‌های بعد نمود یافته است. همچنین ایزدبانوی سپندارمذ از آنجا که در اوستا به‌عنوان همسر اهورامزدا و مادر دیگر امشاسپندان و ایزدبانوی زمین است، نقش مادرخدایی دارد. هرچند یافته‌های باستانی دال بر پرستش او یافت نشده، بعید نیست که برخی از این یافته‌ها متعلق به او باشند؛ چنان‌که برگزاری جشن سپندارمذگان نشان از جایگاه والای این الهه نزد ایرانیان دارد و البته نیاز به پژوهش بیشتری در این زمینه است. بنابراین در پژوهش حاضر دو ایزدبانوی سپندارمذ و آناهیتا را که مانند الهه‌مادر، نقش مادر خدا دارند، معرفی و ویژگی‌های مشترک آن‌ها را با الهه‌مادر در اساطیر ترک بررسی کرده‌ایم.

الف. ایزدبانوی سپندارمذ



«سپندارمذ» از جمله امشاسپندان در آیین زرتشت است و از لحاظ جایگاه و اهمیت پس از اهورامزدا، در مرتبه دوم جای دارد. نام سپندارمذ در پهلوی «سپندارمذ»^۳ است. در اوستا با نام «آرمیتی»^۴ به معنای اندیشه و فداکاری یاد شده است و سپند، به معنای مقدس یا برکت‌بخشنده، صفت او به‌شمار می‌رود (بهار، ۱۳۸۴: ۸۲). ستاری (۱۳۹۲) مهم‌ترین ویژگی‌های سپندارمذ در اوستا و متن‌های پس از آن را در چند عنوان دسته‌بندی کرده است:

۱. پیوند داشتن با زمین: سپندارمذ در اوستا و متن‌های پهلوی گاهی به معنای زمین و مترادف با آن به کار می‌رود. در داستان جم (جمشید) آمده است که جم وقتی می‌خواست زمین را که بر زمینیان تنگ شده بود، درگسترده، سپندارمذ را این‌گونه مخاطب قرار داده: «ای سپندارمذ، به مهربانی فراز رو و بیش فراخ شو که رمه‌ها و ستوران و مردمان را برتابی» این عبارت دو بار در اوستا تکرار شده است (دوستخواه، ۱۳۷۹: ۶۶۷). در زادسپرم و بندهش نیز آمده است که وقتی کیومرث مُرد، به سبب سرشت فلزی او، هشت نوع فلز از اندام او پدید آمد که از میان آن‌ها زر را سپندارمذ (زمین) پذیرفت و چهل سال در زمین بود (راشدمحصل، ۱۳۶۶: ۴۹). علاوه بر این، در اساطیر ایران باستان، سپندارمذ نماد حلم و بردباری، فرشته نگهبان زمین و بارورکننده و پاک‌نگه‌دارنده آن است. زرتشتیان هنگام نوشیدن «هئومه»، عصاره گیاه مقدس، مقداری از آن را برای خشنودی این ایزدبانو به زمین نثار می‌کنند (عناصری، ۱۳۶۱: ۸۰۶). بنابر زادسپرم، همه موجودات روی زمین فرزند او به‌شمار می‌آیند: «سپندارمذ درست‌اندیش مادر همه زایشمندان روی زمین [...] همه آفریدگان را ببخشاید؛ چه همه فرزند اویند» (راشدمحصل، ۱۳۶۶: ۱۰۶).

۲. دین‌پرور و دین‌یاور: یاری‌رسانی به دین و پرورندگی آن از جمله خصوصیات سپندارمذ در آیین مزدیسنا است. «دین مزدیسنان در زمانه، هنگامی که از نظم مادی به مینوچهری بازمی‌گشت، در زمین نخست به سپندارمذ، سپس به اورمزد پیدا شد؛ مانند فرزندپذیری مادران و بازسپردن به پدران» (همان، ۵۲). در گات‌ها نیز، اهورامزدا به سپندارمذ می‌گوید: «ای سپندارمذ، دین مرا به یاری آئنه آموزش ده و روشنی بخش» (دوستخواه، ۱۳۷۹: ۳۱).

۳. دختر/ همسر اهورامزدا: در اوستا، دو روایت متفاوت درباره نسبت سپندارمذ با اهورامزدا دیده می‌شود. در آرتیشت (آشیشت) که در ستایش آشی، ایزدبانوی توانگری و پادشاه است، خطاب به آشی آمده است: «اهورامزدا، بزرگ‌ترین و بهترین ایزدان، پدر توست، سپندارمذ مادر توست» (همان، ۴۷۱). براساس این روایت، سپندارمذ همسر اهورامزدا است؛ حال آنکه در وندیداد، از سپندارمذ به‌عنوان «دختر اهوره‌مزدا» یاد شده است (همان، ۸۶۶). به‌باور ا. چ. گری، در اساطیر کهن ایرانی، سپندارمذ همسر خدای آسمان بود و سپس چون هرمزد خدای بزرگ شده، این اسطوره در ادبیات بعد از زرتشت به‌صورت دختر هرمزد درآمده است (به نقل از بهار، ۱۳۸۱: ۸۲).

۴. حامی زنان عقیف: ایرانیان باستان روز پنجم ماه اسفند را که نام روز و ماه با هم تقارن پیدا می‌کرد (اسفندروز از ماه اسفند)، جشن می‌گرفتند. سپندارمذ فرشته موکل بر زمین و حامی زنان درستکار و عقیف است. در زمان گذشته، این ماه به‌ویژه این روز عید زنان بوده و در این عید مردان به زنان بخشش می‌نمودند و هنوز این رسم در اصفهان و ری و دیگر بلدان پهلایه باقی مانده و به فارسی مزدگیران می‌گویند (ستاری و سوگل، ۱۳۹۲: ۱۳).

۵. دارای وجه عقوبت‌گر: سپندارمذ کفران‌کنندگان بر زمین (دزدان، ستم‌کاران و مرگ‌ارزانان) را گزند می‌رساند (طاهری و طاووسی، ۱۳۸۹: ۴۹).



ب. ایزدبانوی آناهیتا

آناهیتا یا اردویسور آناهیتا (نمناک نیرومند نیالوده) در اساطیر ایران، خدای آب‌ها، باروری و جنگ بود. در یشت پنجم و ششم اوستا، اهورامزدا و زرتشت، هر دو، آناهیتا را ستایش می‌کنند. آناهیتا را فزاینده رمه‌ها و دارایی‌ها و فزاینده کشور می‌دانند. او تخمه همه مردان را و زهدان زنان را برای زایش از آلودگی‌ها می‌پالاید و به آنان کمک می‌کند تا زایمانی آسان و شیر فراوان داشته باشند (جلیلیان، ۱۳۹۷: ۴۳). مهم‌ترین ویژگی‌های آناهیتا عبارت‌اند از:

۱. هیئت انسانی داشتن: آناهیتا در آبان‌یشت دوشیزه‌ای است زیبا با بازوان ستبر و سپید، برزمنده، کمر بر میان بسته، راست‌بالا، دارای موزه‌هایی درخشان با بندهای زرین که تا مچ پایش را پوشانده‌اند. او جامه گران‌بهای پرچینی از پوست ببر بر تن دارد و گوشواره‌های زرین چهارگوشه‌ای بر گوش و گردن‌بندی بر گردن آویخته است. تاج زرین هشت‌گوشه‌ای بر سر اوست که دارای یکصد ستاره است. او گردون‌هایی دارد که خود لگام اسب‌هایش را در دست گرفته است (دوستخواه، ۱۳۷۹: ۳۰۰).

۲. برکت‌بخش و بارورکننده: آناهیتا با نیروی باروری و برکت‌بخشی خود، یاری‌رسان آفرینش اهورایی است. او ایزد آب‌ها و مادر و آفریننده است. معنای مادری آب یکی از روشن‌ترین تعبیرهای رمزی اساطیر است. زندگانی از آب زاده می‌شود و زاده شدن از آب دراصل به معنای زاده شدن از زهدان مادر است (عنصری، ۱۳۶۱: ۴۱۵).

۳. برآورده‌کننده آرزوهای شاهان و یلان ایرانی: شاهان و یلان ایرانی قربانی‌های زیادی برای آناهیتا انجام می‌داده‌اند. هوشنگ، جمشید، فریدون، گرشاسپ، کاوس، کیخسرو، توس و جاماسب از جمله نامدارترین کسانی هستند که برای آناهیتا پیشکش‌ها می‌کنند. آناهیتا پیشکش

دشمنان ایران (ضحاک، افراسیاب و...) را نمی‌پذیرد و خواسته آنان را برآورده نمی‌سازد (دوستخواه، ۱۳۷۹: ۳۰۰-۳۱۰).

۴. هیئت رود داشتن: سرانجام آنها را به هیئت رودی اسطوره‌ای توصیف می‌شود و در فرهنگ‌های همچون همه آب‌های روی زمین، از کوه هگر سرچشمه می‌گیرد و به دریای فراخکرد می‌ریزد و به واسطه آن، به هریک از هفت اقلیم رودی روان است؛ چراکه دارنده هزار دریاچه و رود است (ستاری، ۱۳۹۲: ۹).

۴-۲-۱. پرستش الهه‌مادر در میان اقوام ترک

پیکرک‌ها و تندیس‌های الهه‌مادر در آناتولی و حفریات گوبکلی تپه، چتل‌هویوک، حجیلار و دیگر محوطه‌های باستانی سرزمین‌های ترک به دست آمده که نشان‌دهنده رواج پرستش الهه‌مادر در میان اقوام ترک از دیرباز بوده است. اما درباره دین باستانی ترکان، در کتیبه‌های شاهان ترک، از «تانری قود» یاد شده است. ترک‌ها در طول تاریخ، آیین‌های مختلفی مانند شمنیسم، بودیسم، مسیحیت و اسلام را پذیرفته‌اند. اما هنگامی که به اسلام روی آوردند، آداب و رسوم یا اعتقادات خود را کاملاً رها نکردند و اعتقادات قدیمی در دین جدید به شکل جدیدی، همچنان زنده مانده است. در روند تاریخی، رد پای این انتقال را می‌توان در برخی از متون نوشته شده و کتیبه‌های «گوک ترک‌ها» مشاهده کرد. اولین رد پای گذار به یک باور سیستماتیک در قالب «اومای» و «یئرسو» دیده می‌شود (Derin, 2014: 2 & 8). همچنین عثمان توران معتقد است کلمه ترکی «تانری» در تانری قود، هم به معنای آسمان است و هم حکایت از الوهیت دارد. راسونی^۵ دین باستان ترکان را «دین قامایی» می‌نامد و می‌گوید که در این دین، عنصر



اصلی همه تصورات مذهبی باور به «گۆی تانری» (خدای یکتای آسمان)، روح و آخرت است (بهلولی، ۱۳۹۲: ۱۶). از جمله شواهد موجود بر پرستش الهه‌مادر اومای در کتیبه‌های یافت‌شده در دشت اورخون^۶ است که ترکان را در غلبه بر دشمنان هدایت می‌کند؛ چنان‌که در سنگ‌یاد «تان یوقوق» در این دشت آمده است: «من، بیلگه تان یوقوق این‌گونه گفتم: از بیشه‌زاران آلتای گذشتیم، رود ایرتیش را پشت‌سر نهادیم. آنان همگی شجاع‌اند. کسی درنیافت که خداوند (تانگری) تنها، الهه اومای، خاک ایزد و آب ایزد، ما را پیروزی دادند» (محمدزاده‌صدیق، ۱۳۸۶: ۱۱۹). اکنون در میان ترکان مسلمان در آسیای میانه و آذربایجان، اومای، محافظ مادران باردار و نوزادان در برابر بلاهای ناشی از ارواح پلید شناخته می‌شود. در آذربایجان شرقی در منطقه «قارداغ» از ولایت «اوزوم دیل» دو روستا با نام اومای وجود دارد. اهالی این روستا دختر بچه‌های سفید و زیبا را اومای نام می‌نهند. همچنین در مناطق دیگری از این سرزمین، کوه اومای، دره اومای، سنگ اومای و جز آن وجود دارد (بهلولی، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۹).

۱-۲-۵. الهه‌مادر در اساطیر ترک

مادر خدای ممتاز و مهمی که بعد از تانگری، خدای یکتا، توسط ترکان پرستش می‌شده، «اومای‌آنا» است که او را گاهی ایزدبانو گفته‌اند. به اعتقاد ترکان، او مهم‌ترین موجود مذهبی بعد از خدا بوده و در کتیبه‌های ترکی باستان، گاهی فقط نام او در کنار خدا ذکر شده است. سایر موجودات مذهبی در کتیبه‌های قدیمی ذکر نشده‌اند (Öztürk, 2009: 491). اعتقاد به الهه‌مادر در میان هر گروه از اقوام ترک، نامی ویژه دارد؛ برای مثال «غیزی‌بی» در میان ترکمن‌ها، «اومای‌آنا»، «اوت‌آنا» و «ائل بیلگه خاتون» در میان بیشتر اقوام ترک که بعدها بازتاب

ویژگی‌های آن‌ها در قهرمانان زن افسانه‌ها و اساطیر آن‌ها دیده می‌شود؛ چون «بورلا خاتون» داستان چهارم، «سولجان خاتون» داستان ششم و «چیچک بانو» داستان سوم و دیگر زنان جسور اوغوز در داستان دده قورقورد^۷ که شخصاً در نبرد با دشمن به‌پا برمی‌خیزند و سرانجام پیروز هم می‌شوند و یا دلاوری‌های زنان افسانه‌*کوراوغلو*^۸ که «نیگار خاتون» همسر کوراوغلی از برجسته‌ترین آن‌هاست. همه این موارد جایگاه والای زن نزد ترکان را نشان می‌دهد که احتمالاً از آیین پرستش الهه‌مادر به‌عنوان مظهر آفرینندگی، باروری و توالد سرچشمه گرفته و در میان ترکان رواج یافته است. در پژوهش حاضر دو الهه‌مادر اومای‌آنا و اوت‌آنا معرفی شده است.

الف. اومای‌آنا

اومای‌آنا^۹ مهم‌ترین موجود الهی و نماد تولد و باروری در اساطیر ترکی است. اومای از ریشه Um / Om گرفته شده و همچنین به‌معنای جفت، محبت و محافظ است. اومای یکی از قدیمی‌ترین کلمات ترکی است که در دیوان لغات ترک به‌عنوان «غایتی که پس از زایمان زن از رحم خارج می‌شود» معرفی شده که متناسب با کلمه جفت در رحم مادر است. (ibid.). درواقع کلمه اومای از دو جزء تشکیل شده: «اوم» در معنای توقع از مصدر اومماق و «آی» در معنای سفید روشن، ماه و ماهتاب. اومای مادرخدایی است که ظاهراً در کنار تانگری و خادمه اوست. او با جلوس در عرش تانگری شعاع‌های محبت از خود ساطع می‌کند که در بدن انسان‌ها به‌صورت جرقه‌هایی گرم تا زمان مرگ می‌ماند و به آنان انرژی می‌دهد (بهلولی، ۱۳۹۲: ۱۷). اومای دارای ویژگی‌هایی است که آن‌ها را به‌صورت زیر دسته‌بندی کرده‌ایم:



۱. ویژگی‌های ماورائی: او الهه نیکی و زندگی است و کارهای خوب انجام می‌دهد. سه شاخ دارد، دارای لباس سفید است و موهایی سفید و نقره‌ای که تا زمین می‌رود. شکل ظاهری‌اش جوان است. او می‌تواند به پرنده‌های بدل شود و دارای بال و صاحب درخت زندگی است. به دور خود نوری می‌تاباند و گاهی در آسمان زندگی می‌کند، گاهی به زمین می‌رود (Karakurt, 2011: 27).

۲. محافظت از کودکان: وقتی کودکی به دنیا می‌آید، اومای از راه می‌رسد و قطره‌ای را که از دریاچه شیر در آسمان آورده است، به لب‌های کودک می‌مالد؛ به این ترتیب، به او روح می‌بخشد و از مادر و کودک به مدت سه روز محافظت می‌کند. لبخند کودک به معنای این است که اومای در کنار کودک است. اگر اومای، کودک را برای مدت طولانی ترک کند، کودک بیمار خواهد شد (Öztürk, 2009: 491).

۳. کمک به زنان باردار: اومای به کسانی که بچه‌دار نمی‌شوند، یاری می‌رساند و از زنان باردار و حیوانات خانگی محافظت می‌کند. مرگ کودکان اغلب در خانه‌هایی رخ می‌دهد که از کودکان محافظت نمی‌شود (Karakurt, 2011: 27). در میان عشایر آذربایجان هم اکنون این باور دیده می‌شود که اگر زن نازا سر بر سنگ اومای بگذارد، صاحب بچه می‌شود (بهلولی، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۹). زنان با کمک اومای فرزند خود را به دنیا می‌آورند. آن‌ها معتقدند که اگر اومای را پرستش کنند، نوزادشان پسر می‌شود (Beydilli, 2005: 79).

۴. باروری و برکت به زمین: اومای برکت بر زمین توزیع می‌کند. او الهه زمین است و در یادمان‌های ترکی باستان، تانگری هم‌ردیف با اومای و رب‌النوع «یئرسو»^۱، خدای زمین، مقایسه شده است (Öztürk, 2009: 491).

۵. خدای پیروزی: اولین اطلاعات مربوط به اومای درواقع از روی کتیبه‌ها به دست آمده است: «اومای، خدای آب مقدس و مکان مقدس آن‌ها را پیروزی داد، چرا ما فرار می‌کنیم»^{۱۱} (Bayat, 2007: 49). از اینجا می‌توان استنباط کرد که الهه اومای خدای پیروزی است. برخی ترکان هنگام آماده شدن برای جنگ برای اومای قربانی می‌کردند (Inan, 1976: 24).
۶. ارتباط اومای با خورشید: برخی از مردم ترک اومای را «ساریکوز»^{۱۲} می‌نامند؛ زیرا در افسانه ساریکوز که میان ترکمن‌ها رایج است، نام ساریکوز ناظر به دختری با موهای طلایی و تحت حمایت اومای است که با خورشید ارتباط دارد (Çoruhlu, 2014: 43).
۷. دارای جنبه تاریک بودن: در اومای، با دوگانگی تولد و مرگ روبه‌رو می‌شویم که با مفاهیم اومای (زندگی، خوبی) و کارا اومای (مرگ و شر) ظاهر می‌شود. در قبایل آلتایی، اومای به‌عنوان روح آتش یا فرشته مرگ پذیرفته شده که «کارا اومای»^{۱۳} نام دارد. به‌گفته بیات، امروزه زنان مُسن در قونیه برای ساکت کردن و ترساندن کودکان، از اومای می‌گویند: «اومای می‌آید، تو را می‌برد» (2007: 59).
۸. اومای پرنده سعادت: معادل اومای در فارسی «هما» یا «همای»^{۱۴} است. ترکان باستان این پرنده را پرنده هومای می‌نامیدند. پرنده‌ای افسانه‌ای است که در جزایر اقیانوس هند یافت می‌شود و به‌اندازه یک کبوتر و دارای بال‌های سبز زمردی است و ثروت و خوشبختی را برای افرادی که از بالای سر آن‌ها عبور می‌کند، به‌ارمغان می‌آورد؛ او بین سرنوشت‌ها حرکت می‌کند و حتی ممکن است تا خدا پیش رود (Beydilli, 2005: 53).
۹. وجه مردانه اومای: در افسانه‌های ترکی، تمایز زن و مرد مشخص نیست. نوعی نظام اعتقادی توحیدی در ترکان غالب است که براساس آن، جنسیت الهه مطرح نیست (Çoruhlu,



40: 2014). اما اومای در کتیبه‌های کولتیگین^{۱۵}، بیلگه کوگان^{۱۶} و تونیوکوک^{۱۷} به‌عنوان خدای زن یاد شده است (Ergin, 2014).

ب. اودآنا یا اوت‌آنا

در اساطیر ترکان آمده که در کنار خدای زمین، یئرسو، ایزدبانوی اوت‌آنا^{۱۸} نیز ستایش می‌شده و روح محافظ آتش در اساطیر ترکی، آلتایی و تاتار بوده است. در اساطیر ترک، آتش از اهمیت بسزایی برخوردار است. ویژگی‌های اوت‌آنا عبارت‌اند از:

۱. الهه آتش: در اسطوره‌شناسی ترکان، الهه آتش اوت‌آنا نام دارد. در بعضی از افسانه‌ها، خورشید، ماه و اوت‌آنا فرزندان رعدوبرق هستند. از نظر استعاری، آتش حاوی مفاهیم مختلف است؛ برای مثال مفهوم عشق چون آتش، بیانگر انرژی و تولدی دوباره است که با عشق در بدن انسان اتفاق می‌افتد. طبق اعتقادات قدیمی ترکی، آتش با سوزاندن خاشاک بین دو سنگ یکی سیاه و دیگری سفید — که توسط شیطان «اولگن»^{۱۹} از آسمان پایین آورده شد و سنگ‌ها را به هم کوپید — به‌دست آمد. اعتقاد بر این است که این آتش از زمان خلقت جهان وجود داشته است (Cotterell, 1999: 466). بعضی کارها نظیر تف کردن بر روی آتش، با لگد خاموش کردن آن و ریختن زباله و تکه‌های غذا روی آن ممنوع بود. سفرایی را که برای زیارت خاقان می‌آمدند، از میان دوکوهه آتش رد می‌کردند تا تطهیر شوند. عروس تازه‌وارد نخست به آتش و اجاق خانه جدید تعظیم می‌کرد و از اوت‌آنا می‌خواست که حامی او باشد و زن‌های اطراف اجاق با گرم کردن دست‌های خود بر آتش، صورت عروس را

نوازش می‌کردند. آتش نه تنها قدرت درمانی داشت، بلکه خاکستر آن نیز زخم‌ها را التیام می‌بخشید (بهلولی، ۱۳۹۲: ۲۰).

۲. ارتباط با خورشید: ترکان اجاق را در وسط «یورت»^{۲۰} و به شکل دایره، شبیه خورشید، می‌ساختند. گرما و روشنایی متصاعد از آن شبیه حرارت و نور خورشید بود. هر ایل برای خود اجاقی داشت. گاهی ایل‌ها اجاق‌های خود را درمی‌آمیختند؛ یعنی ازدواج‌های برون‌ایلی سبب می‌شد عروسی به اجاقی دیگر برود (همان، ۱۹).

۳. توانایی پیشگویی: طبق اعتقادات ترکان، الهه آتش می‌تواند همه چیز را به انسان‌ها بگوید و آن‌ها را هشدار دهد و به آن‌ها بیاموزد. برای آتش محافظت از افراد خیرخواه و کمک به آن‌ها امکان‌پذیر است. در بیشکک، پایتخت قرقیزستان، «بنای یادبود سونمز» وجود دارد که دارای آتش است و هرگز خاموش نمی‌شود. در اساطیر تاتار، «اوت‌آتا»، «اودگود» و «اوت‌آنا» گاهی اوقات به‌عنوان اسامی مختلفی که به موجودی واحد اشاره دارند، مشاهده می‌شود (Clauson, 1972: 34).

۲. تطبیق داده‌های پژوهش

بنابر رویکرد نظری پژوهش، فرایند پژوهش تطبیقی فیلیس، در این مرحله (مرحله سوم)، شباهت‌های اسطوره‌ الهه‌مادر در اساطیر ایرانی و ترکی و در بخش تحلیل داده‌ها، تفاوت‌ها را بیان کرده و فرضیه پژوهش را بسط داده‌ایم. در این راستا و به‌منظور تطبیق بهتر داده‌ها، ویژگی‌های منسوب به هریک از الهه‌های مادر سپندارمذ و آناهیتا در اساطیر ایرانی و الهه‌های



مادر اومای‌آنا و اوت‌آنا در اساطیر ترکی خلاصه‌وار در جدول ۱ آمده است. بنابر داده‌های این جدول، وجوه تشابه بسیاری بین الهه‌مادر در اساطیر ایرانی و ترکی وجود دارد؛ از جمله:

الف. برکت‌بخشی و باروری: براساس اساطیر ایرانی و ترکی، الهه‌های مادر سپندارمذ، آناهیتا، اومای‌آنا و اوت‌آنا همگی مظهر برکت‌بخشی محسوب شده و سپندارمذ و اومای‌آنا الهه زمین و مظهر آفرینندگی نیز هستند. درواقع وجه آفرینندگی ویژگی مشترک زمین و الهه‌مادر است که هر دو دارای خصلت باروری و برکت‌آفرینی بوده و هستی انسان به این دو وابسته است. آناهیتا، الهه آب‌ها، و اودآنا، الهه آتش نیز برکت‌بخش بوده و به‌ویژه آب مظهر آفرینندگی و حیات و آناهیتا الهه آب‌هاست. پیداست که در میان ترکان، همچون ایرانیان، آتش نیز همسان آب دارای اهمیت و قداست بوده است.

ب. حمایت از زنان: سپندارمذ و اومای‌آنا، هر دو به‌عنوان حامی زنان درستکار و عفیف و زنان باردار و کودکان، توسط اقوام ایرانی و ترک مورد پرستش قرار گرفته‌اند و جشن سپندارمذگان، به مناسبت بزرگ‌داشت مقام زن، بر همین اساس نام گرفته است؛ همان‌طور که درباره اومای‌آنا نیز شاهد کاربرد پیکرک‌های او برای حفاظت از مادر باردار و کودک هستیم؛ گرچه اومای‌آنا بیشتر در نقش محافظ مادر و کودک و سپندارمذ بیشتر حامی زنان عفیف بوده است که هر دو در کانون خانواده بسیار مهم‌اند. آناهیتا نیز حامی و یاری‌رسان زنان باردار محسوب می‌شده است. اودآنا الهه آتش و آتش حامی کانون خانواده بوده است که زن در مرکز آن قرار دارد؛ چنان‌که ترکان دست خود را بر آتش اجاق گرم می‌کردند و بر سر نوع‌روسان می‌گذاشتند تا محافظ آنان باشد.

ج. برآوردن خواسته‌ها و قربانی و فدیه: گرچه در اساطیر ایران، به نذر و قربانی برای سپندارمذ اشاره نشده، درباره الهه آناهیتا آمده است که شاهان بسیاری برای رسیدن به خواسته‌هایشان نذوراتی را به وی عرضه می‌داشته‌اند. همچنین قربانی کردن برای اومای و دعا برای رسیدن به خواسته‌هایی همچون داشتن فرزند یا پسر شدن آن در میان ترکان رواج داشته است. همچنین ترکان برای تطهیر و دعا، از آتش بهره می‌برده و از اودآنا استمداد می‌جسته‌اند.

د. الهه پیروزی: در اساطیر ایرانی آمده است که سپندارمذ دین‌دار و یاور دین بوده است. در اوستا، او برای یاری مؤمنان ستوده شده است. همچنین آناهیتا الهه‌ای نیرومند است که هم دلیری می‌بخشد و هم دانایی. بنابراین شاهان و یلان ایرانی با استمداد از او بر دشمنان پیروز می‌شدند یا دشمنان خود را شکست می‌دادند. در اساطیر ترکی نیز، اومای الهه‌ای است نیرومند و صاحب قدرت زمین و آسمان. بنابراین ترکان هنگام آماده شدن برای جنگ از او طلب یاری می‌کرده‌اند. اودآنا نیز به سبب بهره از برکت و حمایت آتش، مورد پرستش بوده است.

جدول ۱. ویژگی‌های منسوب به الهه‌های مادر اساطیر ایرانی و ترکی

ملیت	نام الهه‌مادر	ویژگی‌ها
ایرانی	سپندارمذ	پیوند داشتن با زمین، دین پرور و دین‌یاور دختر یا همسر اهورامزدا، حامی زنان عفیف، وجه عقوبتگر
	آناهیتا	هیئت انسانی داشتن، برکت‌بخش و بارور کننده برآورده‌کننده آرزوهای شاهان و یلان ایرانی، هیئت رود داشتن
ترک	اومای‌آنا	ویژگی‌های ماورائی، محافظت از کودکان، کمک به زنان باردار برکت و باروری زمین، الهه پیروزی، ارتباط اومای با خورشید،



دارای جنبه تاریک بودن، اومای پرنده سعادت، وجه مردانه اومای		
الهه آتش، ارتباط با خورشید، توانایی پیشگویی	اوت‌آنا	

ه. داشتن جنبه تاریک: برطبق اساطیر ایرانی، الهه‌مادر سپندارمذ دارای وجهی عقوبتگر است. او کافران و کفران‌کنندگان را گزند می‌رساند. آناهیتا الهه جنگ بوده و نذورات کافران را نمی‌پذیرفته است. در اساطیر ترکی نیز، اومای‌آنا الهه‌ای است که دارای هر دو وجه است. وجه تاریک او را «کارا اومای» نامیده‌اند و کودکان را از او می‌ترسانند و معتقدند او الهه مرگ است و روح مردگان را تا رسیدن به طبقات زیرین زمین هدایت می‌کند. آتش نیز چنین است و اودآنا هم مظهر برکت‌بخشی و محافظ است، هم سوزاننده ناپاکی‌ها و عقوبت کننده.

۳. تحلیل یافته‌های پژوهش

چنان‌که گفتیم در بخش تحلیل داده‌ها براساس ساختار پژوهشی فیلیپس، به بررسی تفاوت‌ها و بسط فرضیه خواهیم پرداخت. در تحلیل داده‌های جدول ۱ و مقایسه ویژگی‌های الهه‌مادر اساطیر ایرانی و ترکی، تفاوت‌هایی در ویژگی‌های الهه‌مادر در اساطیر ایرانی و ترکی دیده می‌شود که از آن میان، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. جنسیت الهه‌ها: در اساطیر ایرانی، سپندارمذ همسر یا دختر اهورامزدا و آناهیتا دوشیزه‌ای زیباست؛ درحالی‌که در اساطیر ترکی، اومای‌آنا علاوه بر وجه زنانگی و مادری، دارای وجه مردانه نیز هست. درواقع در اساطیر ترکی، جنسیت اومای مطرح نیست؛ او هم

می‌تواند الهه‌مادر و مؤنث باشد و هم بدون جنسیت؛ چنان‌که نام اومای برای مردان ترک هم انتخاب می‌شود. به نظر می‌رسد این مسئله درباره اودآنا نیز صادق است که می‌تواند ناشی از وجه اعتقادی ترکان و عقیده یکتاپرستی در میان آنان باشد و محبوبیت و قدرت الهه‌مادر که خدای پیروزی نیز هست.

ب. هیئت ظاهری الهه‌ها: در اساطیر ایرانی، گرچه سپندارمذ در زمره امشاسپندان، نامیرایان مقدس، است، از ویژگی‌های ظاهری وی کمتر سخنی به میان آمده است. اما متون مقدس ایرانی آناهیتا را در هیئت انسانی توصیف کرده‌اند: دوشیزه‌ای بلندقامت و زیبا با تاجی هشت‌گوش و گوشواره‌های زرین چهارگوش و سوار بر گردون. گاهی نیز در هیئت رودی بزرگ و پرآب و نیرومند تصویر می‌شود. اومای آنا زن جوانی است با تاجی سه‌شاخه که گاهی به شاخ‌های خود او تبدیل می‌گردد و موهایی بسیار بلند و نقره‌ای که می‌تواند به پرنده‌ای بدل شود. درباره اودآنا و ویژگی‌های ظاهری وی نیز مطالب چندانی در دست نیست.

ج. قدرت الهه‌ها: در اساطیر ایران باستان، سپندارمذ، الهه زمین است و آناهیتا، ایزدبانوی آب، مظهر برکت و باروری است. اومای آنا در اساطیر ترکی الهه‌ای پر قدرت است که می‌تواند به پرنده‌های تبدیل شود و بر سرنوشت افراد حاکم است. اوت آنا الهه آتش و مظهر برکت و باروری است. قدرت متفاوت هر الهه به وی ویژگی خاصی بخشیده است که در مقام اسطوره تجلی یافته و مورد پرستش بوده است.

۴. نتیجه



در پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی الهه‌مادر در اساطیر ایرانی و ترکی براساس ساختار پژوهش تطبیقی فیلیپس پرداختیم. آنچه در مرحله چهارم این فرایند و از تحلیل یافته‌های پژوهش برمی‌آید، این است که شباهت‌های موجود بین الهه‌های مادر سپندارمذ و آناهیتا در اساطیر ایرانی و اومای‌آنا و اوت‌آنا در اساطیر ترکی بسیار چشمگیر است. مهم‌ترین وجه مشترک آن‌ها ارتباط با زمین و برکت‌بخشی و باروری است. در اندیشه باستان، زمین نماد مادرانگی طبیعت است. بدون زمین طبیعت عقیم است. همان‌گونه که زنان موجود تازه‌ای به دنیا می‌آورند، زمین هم زهدان رویدنی‌هاست. حتی در بسیاری از فرهنگ‌ها و نزد بسیاری از اقوام، انسان هم از زمین زاییده شده است. این ویژگی مهم و منحصر به فرد الهه‌مادر سبب شده است که پرستش این الهه از ریشه‌دارترین و عمیق‌ترین اعتقادات بشری در طول تاریخ باشد. دومین وجه تشابه مهم این الهه‌ها در اساطیر دو ملت حمایت از زنان و کودکان است. روز زن در ستایش سپندارمذ و قدرت الوهی او در حمایت از زن، حمایت آناهیتا از زنان و مادران باردار، نقش اومای‌آنا در محافظت از مادر و کودکان و حفاظت اودآنا از کانون خانواده، همگی تقدس و مقام والای زن را نزد هر دو قوم ایرانی و ترک نشان می‌دهد؛ به طوری که در تاریخ باستانی هر دو قوم این ویژگی با رسم مادرسالاری و قدرت زنان در کانون خانواده پیوند خورده است. به علاوه قدرت‌های ماورائی زمینی و آسمانی، دلاوری و دانایی این الهه‌ها سبب شده است که آن‌ها را الهه پیروزی بدانند که در بین اقوام ترک با برتری زمین و دام و در اقوام ایرانی نیز با برکت زمین و باروری آب حاصل می‌شده است و در نهایت این ویژگی‌های مشترک الهه‌مادر سبب شده است که اقوام ایرانی و ترک نذورات و قربانی‌های فراوانی برای دستیابی به آرمان‌ها و آرزوهایشان، چه فرزندآوری و برکت‌بخشی زمین و محصولات و

دام‌هایشان و چه برتری در جنگ، به این الهه‌ها پیشکش کنند و از آن‌ها طلب یاری نمایند. همچنین بنابر اساطیر ایرانی و ترکی، الهه‌ها دارای وجهی عقوبت‌گردد و کفران‌کنندگان بر زمین را گزند می‌رسانند.

اما در این میان، تفاوت‌هایی نیز در ویژگی‌های الهه‌مادر در اساطیر ایرانی و ترکی وجود دارد. در واقع وجود تفاوت در صورت ظاهری و قدرت الهه‌ها، همسو با فرضیه پژوهش، با وجود تمایزات فرهنگی اقوام ایرانی و ترک بدیهی است؛ چنان‌که بسیاری از معیارهای زیبایی‌شناختی و قهرمانی در بین فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است. حتی آنجا که در اساطیر ایرانی آن‌ها را الهه آب می‌دانند و در اساطیر ترکی اوت‌آنا را الهه آتش، باز هر دو را به سبب برکت‌بخشی و باروری می‌ستایند و هر دو را مظهر زندگی و باروری می‌دانند. پیداست این وجوه اساطیری در هر دو ملت برگرفته از نیروهای طبیعت است که خود مادری برکت‌بخش برای انسان‌ها در تمامی ادوار و در تمامی فرهنگ‌ها و ملل بوده است. بنابراین می‌توان گفت به‌رغم تفاوت‌هایی که در برخی وجوه منتسب به الهه‌های مادر ایرانی و ترکی در اساطیر ذکر گردیده، شباهت‌های مهم بسیاری بین مفهوم و کارکرد این اسطوره در اساطیر ایرانی و ترکی هست که نشان از اشتراکات اعتقادی و فرهنگی بسیار بین ایرانیان و ترکان از دیرباز دارد؛ چنان‌که مفاهیم بسیاری در افسانه‌ها و اساطیر بین دو ملت سریان یافته و به اشتراکات آن دو بدل شده که بازشناسی آن‌ها به‌لحاظ تاریخی و فرهنگی مهم و نیازمند پژوهش بیشتر است.

پی‌نوشت‌ها

۱. اصطلاح «ترک» از میانه سده ششم میلادی برپایه اتحادیه گوگ ترک‌ها ایجاد شد و از این پس اقوام مستقل این اتحادیه‌ها که هرکدام نام ویژه خود را داشت، ترک نامیده شدند (محسنی، ۱۳۸۹: ۹۷). این اقوام



عبارت‌اند از: تاتارها، قزاق‌ها، آلتایی‌ها، اغوزهای واردشده به آذربایجان، قاجارها، شاهسون‌ها، قره‌داغ‌ها، قشقایی‌ها، افشارها، خلیج‌ها، ازبک‌ها، اوغورها، سالارها، اوغورهای ساری، یاقوت‌ها و

2. Phillips

3. Spandarmad

4. Armatay/ Armaiti

5. Rasonyi

۶. دشت اورخون (Orkhon Valley) یکی از دشت‌های کشور مغولستان است. کتیبه‌های ترکی اورخون توسط نیکولای یادریتسوف در سال ۱۸۸۹ م کشف شد.

۷. کتاب دَده قورقود نام قدیمی‌ترین و معروف‌ترین اثر مکتوب مشتمل بر یک مقدمه و دوازده داستان به زبان ترکی اغوزی است و زندگی، ارزش‌های اجتماعی و باورهای پیش از اسلام ایل‌های ترک اغوز را نشان می‌دهد.

۸. کوراوغلو، به ترکی آذربایجانی Koroğlu، قهرمان حماسی مشترک میان بسیاری مردمان ترک از جمله ترکان آذربایجان و ترکیه، ترکمن‌ها، ازبک‌ها و قشقایی‌ها و ایران است.

۹. اوما یا اوما ی آنا (قزاقستانی: Ымай ана، روسی: Умай یا Юдй)، همچنین Omay، Ubay، Imay و Humay نامیده می‌شود.

10. Yer-su

11. Tonyukuk: "Tengri Umay ıduk place sub basa berti erinç neke Tezerbiz"

12. Sarıkız

13. Kara Umay

14. Huma/ Hümay

15. Köl Tigin

16. Bilge Kağan

17. Tonyukuk

18. odana

19. Ülgen

۲۰. یورت یا یورد (ترکی، !) یرت، جا و مکان را گویند، مسکن و منزل (لغتنامه دهخدا، مدخل «یورت») و اسمی است که عشایر مغول و ترک در آسیای میانه به چادرهایی که به جای خانه از آن استفاده می‌کرده‌اند، داده‌اند.

منابع

- آقارضاکاشی، آزاده (۱۳۹۲). *تحلیلی مردم‌شناختی کارکرد ایزدبانوان در ایران باستان؛ مورد مطالعه: آناهیتا، سپندارمذ، چیستا، دایانا*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه آزاد اسلامی مرکزی. تهران.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۹۹). *اسطوره بیان نمادی*. ج ۶. تهران: سروش.
- بارتولد، ولادیمیر (۱۳۷۶). *تاریخ ترک‌های آسیای مرکزی*. ترجمه غفار حسینی. تهران: توس.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶). *از اسطوره تا تاریخ*. گردآوری ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: نشر چشمه.
- _____ (۱۳۸۱). *پژوهشی در اساطیر ایران*. ج ۴. تهران: آگه.
- _____ (۱۳۸۴). *پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و پاره دوم)*. ویراستار کتایون مزداپور. تهران: آگه.
- بهلولی، داوود (۱۳۹۲). «ادیان ترکان باستان گفت‌وگو با دکتر حسین محمدزاده صدیق». *هفت آسمان*. ش ۵۷. صص ۷-۲۱.
- جلیلیان، شهرام (۱۳۹۷). «اردشیر بابکان و خدایانو آناهیتا». *تاریخ اسلام و ایران*. دوره جدید. ش ۳۷. صص ۳۵-۵۶.
- خدادای‌دهکردی، ساناز (۱۳۹۴). *سیر تحول الهه‌های ملل کهن از قدیمی‌ترین ایام تا دوران شهرنشینی (بین‌النهرین، ایران)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته نقاشی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. تهران.
- راشد‌محصل، محمدتقی (۱۳۶۶). *زادسپرم*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۷۹). *اوستا*. ج ۱ و ۲. تهران: مروارید.
- ستاری، رضا و سوگل خسروی (۱۳۹۲). «بررسی خویشکاری‌های آناهیتا و سپندارمذ در اسطوره و پیوند آن با پیشینه مادرسالاری». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. ش ۳۲. صص ۱-۲۱.



- طالعی، محبوب (۱۳۹۲). مقایسه جایگاه زن در شاهنامه فردوسی و دده فوقورد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته ادبیات. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه.
- طاهری، صدرالدین (۱۳۹۳). *ایزدبانوان*. تهران: روشنگران.
- طاهری، صدرالدین و محمود طاووسی (۱۳۸۹). «تندیس‌های ایزدبانوان باروری ایران». *مطالعات زنان*. ش ۲۴. صص ۴۳-۷۳.
- عنبری، عطار (۱۳۹۱). *ایزدان ایران باستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات. دانشگاه آزاد اسلامی. تهران.
- عناصری، جابر (۱۳۶۱). «در گذرگاه نسیم وعده سپندارمذ، امشاسپند عشق و صبوری، تا رویش گل نوروز و هم‌آوایی با نوبهارخوانان نروزی». *چیستا*. س ۲. ش ۱۷.
- فانیان، خسرو (۱۳۵۱). «پرستش الهه‌مادر در ایران». *بررسی‌های تاریخی*. ش ۴۳. صص ۱-۳۹.
- لاهیجی، شهلا و مهرانگیز کار (۱۳۷۷). *شناخت هویت زن ایرانی*. ج ۴. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- محسنی، محمدرضا (۱۳۸۹). *پان‌ترکیسم، ایران و آذربایجان*. تهران: سمرقند.
- محمدزاده‌صدیق، حسین (۱۳۸۶). *یادمان‌های ترکی باستان (سه سنگ‌یاد باستانی)*. تبریز: اختر.
- موسوی‌حاجی، سیدرسول و ساناز حیران‌پور (۱۳۹۰). «بررسی تصویر الهه‌مادر در گلیم آناتولی و رد پای آن در بافته‌های کردی خراسان». *نقش‌مایه*. ش ۷. صص ۲۵-۳۶.
- میرخوشخو، سیده آمنه و عبدالرحمن عالم (۱۳۹۶). «بررسی اسطوره‌شناختی جایگاه ایزدبانوان در جهان فکری معنوی ایرانیان باستان». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. ش ۴۶. صص ۱۷۵-۲۱۵.
- نوغانی، سمیه (۱۳۹۱). «بررسی نشانه‌های تصویری لوح 'زن ریسنده' متعلق به دوران ایلام جدید». *نگره*. ش ۲۳. صص ۳۰-۴۴.
- وارنر، رکس (۱۳۸۶). *دانشنامه اساطیر جهان*. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: اسطوره.

- هینلز، جان (۱۳۸۸). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: نشر چشمه.
- Avsar, L. (2012). "Turk Takılarında Umay inancinin izleri ve avrasya kokleri". *İDİL*. Vol. 1. No. 1. pp. 1-24.
- Bayat, F. (2007). *Türk Mitolojik Sistemi*. İstanbul: Ötüken.
- Beydilli, C. (2005). *Türk Mitolojisi, Ansiklopedik Sözlük*. Ankara: Yurt Kitap.
- Cotterell, A. & Rachel, S. (1999). *The Ultimate Encyclopedia of Mythology*. New York: Lorenz Books. pp. 466, 481.
- Çoruhlu, Y. (2014). *Türk Mitolojisinin Ana Hatları*. İstanbul: Kabalıcı.
- Clauson, G. (1972). *An Etymological Dictionary of Pre-Thirteenth Century Turkish*. Oxford: Oxford University Press. pp. 34, 169-170.
- Derin, S. (2014). "Gokturk kitabelerinde Turk dini inancinin izleri. Turkish Studies". *International Periodical for the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic*. Vol. 9. Ankara.
- Ergin, M. & Abideleri, O. (2014). *Boğaziçi*. İstanbul.
- Harrison, J. E. (1963). *Mythology*. New York: Harcourt Brac Jovanovich.
- İnan, A. (1976). *Eski Türk Dini Tarihi*. İstanbul: Kültür Bakanlığı.
- Öztürk, Ö. (2009). *Folklor ve Mitoloji Sözlüğü*. Ankara: Phoenix Yayınları.
- Phillips, D. (2006). "Comprative Education: Method". *Research in Comprative and International Education*. Vol. 1. No. 4. pp. 306-319.
- Karakurt, D. (2011). *Türk Söylence Sözlüğü*. Türkiye.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی